

کودکان سنگ انداز

شعر از: نزار قبّانی، شاعر بزرگ عرب

دنیا را خیره کردند،
با اینکه در دستشان جز سنگ چیزی نیست.
چونان شبچراغ افروختند و مژده آوردند
مقاومت کردند، چون بمب منفجر شدند و شهید گشتند.
و ما به سان خرس های قطبی
- که کالبدشان در برابر حرارت مصونیت یافته باشد -
همچنان یخزده باقی ماندیم.
آنان به جای ما پیکار کردند تا آنگاه که به خاک افتادند
و ما در قهوه خانه ها لم دادیم و مزمزه کنان پیف پیف کردیم.
از ما یکی در پی سوداگری خویش است
یکی در جست و جوی يك میلیارد دلار دیگر
و ازدواج چهارم و سینه های مرمین
یکی در لندن کاخی سر به فلک کشیده را می جوید
یکی دلال اسلحه است
یکی در کاپاره ها از حریفش انتقام می گیرد
و دیگری به دنبال تاج و تخت، ارتش و حکومت است.
آه ... ای نسل خیانت ها
ای نسل پول پرستی ها
ای نسل تفاله
و ای نسل هرجائی
سرانجام ، کودکان سنگ انداز
- هرچند تاریخ به کندی حرکت کند -
ترا در زیر پا لگدمال خواهند کرد.